

باسمه تعالی

تجربه نگاری تاریخی معجزه اقتصادی ژاپن در تطبیق با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی:

درس‌هایی برای اقتصاد ایران

چکیده:

اقتصاد مقاومتی رویکرد بنیادی جمهوری اسلامی ایران در مسیر پیشرفت و توسعه اقتصادی است. این حوزه از دانش اقتصادی که تبلور دانش اقتصاد اسلامی در عصر جدید است، مشتمل بر راهبردهایی است که مسیر حرکت اقتصاد ایران به سمت پیشرفت و توسعه اقتصادی را به خوبی آشکار می‌سازد. درون‌زایی اقتصادی با محوریت حمایت از تولید داخلی، برون‌نگری و دارا بودن یک دیپلماسی اقتصادی قدرتمند، مردمی بودن اقتصاد در پرتو حرکت به سمت خصوصی‌سازی، دانش‌بنیان ساختن اقتصاد جهت ارزش آفرینی از دانش بجای منابع طبیعی، عدالت محور بودن ارکان اقتصادی و نهایتاً مقاوم ساختن اقتصاد در برابر تکانه‌های خارجی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد مقاومتی است. بدون تردید باور داشتن به راهبردهای اقتصاد مقاومتی و برنامه‌ریزی برای اجرای صحیح آن‌ها، مسیر توسعه و پیشرفت اقتصاد ایران را فراهم می‌آورد. بررسی ابرهای مفهومی اقتصاد مقاومتی و انطباق آن با مؤلفه‌های مسیر توسعه کشورهای توسعه یافته جهان گویای وجوهای اشتراک و افتراقاتی عمیق است. از جمله اقتصاد ژاپن که به دلیل استمرار یک رشد اقتصادی بالا، با ثبات و طولانی مدت نام خود را در زمره کشورهای ثبث کرد که معجزه اقتصادی خلق کرده‌اند. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بیان این اشتراک‌ها و افتراق‌ها پرداخته است و ضمن تبیین چرایی ضرورت پافشاری بر اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، درس‌هایی را برای اقتصاد ایران بیان می‌دارد.

طبقه‌بندی JEL: O21

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، توسعه، پیشرفت، ایران، ژاپن.

۱. مقدمه:

ژاپن به مانند بسیاری از کشورها دنیا تاریخی پر فراز و نشیبی را طی کرده است و همپای تحولات جهانی، تغییرات زیادی را به خود دیده است. حضور ژاپن در عرصه‌های بین‌المللی و خصوصاً نقش فعال در جنگ‌های جهانی اول و دوم، تأثیر قابل توجهی بر روند توسعه اقتصادی ژاپن داشته است. آنچه ژاپن را با دیگر کشورهای دنیا متفاوت کرده، تغییر و تحولاتی است که بعد از جنگ جهانی دوم به وقوع پیوسته است و از آن به معجزه اقتصادی ژاپن تعبیر می‌شود. منظور از معجزه اقتصادی رشد مستمر اقتصادی برای یک دوره طولانی است که سبب می‌شود اقتصاد جهش قابل توجهی داشته باشد و این همان اتفاقی است که برای ژاپن به وقوع پیوست و او را از دیگر کشورهای جهان متفاوت کرد. آن چیزی که برای ما دارای اهمیت زیادی است، علل به وقوع پیوستن این معجزه اقتصادی است. ژاپن از یک منظر با کشورهای توسعه یافته دیگر تفاوت دارد و آن منظر این است که ژاپن کشوری آسیایی است. آنچه که در تجربه توسعه ژاپن به چشم می‌خورد، نقش زیربنای فرهنگی و آداب و رسومات اجتماعی است که جریان‌های توسعه‌ای در ژاپن هرگز نتوانسته آن را درون خود محو کند و به‌نوعی ژاپن توسعه یافتگی را در بستر فرهنگ ژاپنی طی کرده است و بر خلاف بسیاری از نگاه‌های جدید به توسعه و مباحث مربوط به جهانی‌سازی، هرگز فرهنگ خود را تغییر نداده است. به‌راستی چه عواملی دست به دست هم داد تا ژاپن چنین معجزه اقتصادی را در بستر فرهنگ ژاپنی به خود ببیند. آیا ژاپن می‌تواند الگویی برای دیگر کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران باشد. موضوع معجزه اقتصادی ژاپن آن‌قدر قابل توجه است که محققین بسیاری تلاش کرده‌اند به علل و ماهیت آن بپردازند و درس‌هایی را برای کشورهای در حال توسعه ارائه نمایند. این مقاله نیز سعی کرده ضمن بررسی تحولات تاریخی اقتصاد ژاپن و سیاست‌هایی که در طول دوره‌های مختلف پیاده شده است، به بررسی تطبیقی آن با مؤلفه‌ها و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ایران بپردازد و از بستر آن برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اساسی که نیاز به تأکید بیشتری دارد، استخراج نماید. تشخیص نقاط افتراق و اشتراک از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد. بر این اساس بعد از مقدمه و بیان پیشینه پژوهش در بخش دوم، به بررسی تاریخی تحولات اقتصادی ژاپن پرداخته (بخش سوم) و در ادامه به بررسی عوامل توسعه اقتصادی ژاپن خواهیم پرداخت (بخش چهارم). مؤلفه‌های استخراج شده در بخش دوم و

سوم با مؤلفه‌های سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که در بخش پنجم مورد بررسی قرار خواهد گرفت، مقایسه خواهد شد و نقاط افتراق و اشتراکات تبیین و یک جمع‌بندی ارائه خواهد شد (بخش ششم).

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص علل و عوامل توسعه ژاپن تحقیقاتی صورت گرفته است که عمدتاً از منظر دانش سیاسی بدان پرداخته شده است. با این وجود داشتن یک نگاه کلان و تطبیق آن با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ایران به منظور یافتن نقاط اشتراک و افتراق مورد توجه قرار نگرفته است که موضوع اصلی این مقاله است. در همین راستا بایزیدی و پناهی (۱۳۹۸) به مقایسه شاخص‌های فرهنگی توسعه‌پذیر و ضدتوسعه در ژاپن، بریتانیا و ایران پرداخته و در یک بستر مقایسه‌ای آن‌ها را تحلیل کرده است. باقری دولت آبادی و ملکی فر (۱۳۹۸) به بررسی نقش و جایگاه سیاست خارجی در توسعه اقتصادی ژاپن طی سال‌های (۱۹۹۵-۱۹۴۵) پرداخته‌اند. یاری و بایزیدی (۱۳۹۶) به بررسی سیاست‌های آبه نومیکس و توسعه در ژاپن اشاره داشته‌اند و نقش آن در توسعه اقتصادی ژاپن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. همچنین بشارت و ارسلان بد (۱۳۹۳) به اثرپذیری رشد اقتصادی ایران از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی با تکیه بر دیدگاه راهبردهای توسعه کشورهای ژاپن و کره جنوبی پرداخته است. عطار (۱۳۹۱) نیز با نگاهی به جایگاه نظام برنامه ریزی و قانون برنامه توسعه در فرآیند توسعه ژاپن یکی دیگر از مؤلفه‌های این حوزه را مورد پژوهش قرار داده است. و نهایتاً چلبی و عظیمی (۱۳۸۶) به مطالعه تطبیقی - تاریخی رابطه ساختار سیاسی با توسعه اقتصادی (ایران، چین و ژاپن ۱۹۲۰ - ۱۸۰۰)، پرداخته‌اند. این تحقیقات مهمترین تحقیقات پژوهشی صورت گرفته در این حوزه محسوب می‌شوند.

با این وجود تحقیقات خارجی و داخلی زیادی در قالب کتاب به این موضوع پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به اونو (۱۳۹۵) با عنوان توسعه اقتصادی ژاپن: مسیر طی شده توسط ژاپن به عنوان کشوری در حال توسعه، یونسی (۱۳۹۵) با عنوان ژاپن و برنامه‌های توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، نقی‌زاده (۱۳۹۴) با عنوان توجه ایرانیان به ژاپن و توسعه صنعتی آن: توسعه یافتگی و مادام‌العمر در حال توسعه، نقی‌زاده (۱۳۸۷) با عنوان مبانی تفکرات اقتصادی و توسعه ژاپن: تداوم و تغییر، نقی‌زاده (۱۳۷۶) با عنوان به سوی قرن ۲۱: اقتصاد

ژاپن و توسعه اقتصاد کشورهای آسیایی با نگاهی به بلوک‌بندی‌های اقتصادی در جهان، متوسلی (۱۳۷۴) با عنوان توسعه اقتصادی ژاپن با تاکید بر آموزش نیروی انسانی، مدنی (۱۳۷۴) با عنوان موانع توسعه اقتصادی ایران (مقایسه با ژاپن) اوکاوا (۱۳۷۲) با عنوان فازهای توسعه کشورهای در حال توسعه و تجربه ژاپن، اشاره کرد که خاصه این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند. جنبه نوآوری تحقیق حاضر تطبیق مسیر توسعه اقتصادی ژاپن با مولفه‌های اقتصاد مقاومتی و درس‌هایی برای ایران است.

۳. بستر تاریخی تحولات اقتصادی ژاپن

بی‌شک تحولات امروز نمی‌تواند بی‌ارتباط با گذشته باشد. تاریخ یک ملت تأثیر زیادی در افکار، عادات، رسومات و سبک زندگی افراد داشته و هر تحولی را لازم است از منظر تاریخی آن مورد توجه و بررسی قرار داد. ژاپن نیز از این موضوع استثناء نیست و تاریخی پرفراز و نشیب داشته و همین مسئله منجر به شکل‌گیری بستری شده است که بسیاری از آنچه که ما به دنبال آن هستیم، از این منظر قابل تحلیل است. به‌طوری کلی تاریخ ژاپن را می‌توان به ۴ دوره اساسی تقسیم کرد. چهار دوره‌ای که هر یک ویژگی‌های خاص خود را داشته و هر یک در شکل‌گیری ژاپن امروزی نقش قابل توجهی داشته است (اونو، ۱۳۹۵):

۱- ظهور و سقوط امپراتوری ژاپن

۲- عصر سامورایی‌ها

۳- نوسازی میجی، صنعتی شدن و وقوع جنگ

۴- دوران پس از جنگ

در آگوست ۱۹۴۵، پس از یک سری بمباران سرتاسری، بالاخره بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی، ژاپن را به تسلیم واداشت (مهدوی ایزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۵). پس‌ازاین شکست، ژاپن با بیش از ۱۳ میلیون نفر بیکار مواجه بود. کمبود مواد غذایی به‌شدت وجود داشت. تورم به حدی بود که حقوق افراد، مکفی مخارج جاری هم نبود، افراد برای سیر کردن شکم خود، اقدام به فروش دارایی‌های خود کرده بودند. برای کالاهای ضروری بازار سیاه درست شده بود. قیمت‌ها ۳۰ تا ۶۰ برابر قیمت رسمی دولت بود. در مورد برنج این رقم به ۱۵۰ برابر نیز می‌رسید. ژاپن اشغال‌شده بود و مردم ژاپن مسئول بازسازی اقتصاد خود و علاوه بر آن مسئول پرداخت خسارت به متفقین

بودند (ترشیزی، ۱۳۷۲، صص ۱۸ و ۱۹). جنگ برای ژاپن، به جز ۸ میلیون کشته و زخمی به بهای ویرانی ۲۵ درصد از دارایی‌های غیرنظامی و نابودی ۴۱ درصد از ثروت ملی تمام شد (اسمیت، ۱۳۷۷، ص ۵۱).

بعد جنگ و در خلال سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۸ تحت اشغال آمریکا راهبرد بازسازی را تحت برنامه ریزی اصولی و سیستماتیک با موفقیت اجرا کرد و بر تورم بعد از جنگ در سال ۱۹۴۹ خاتمه داد. تورم تا سال ۱۹۴۹ ادامه داشت و به سطحی سه رقمی رسیده بود و علت اصلی آن تأمین کسری بودجه از طریق انتشار پول بود (اونو، ۱۳۹۵). از اواسط سال ۱۹۵۰ تا اوایل ۱۹۷۰ ژاپن رشد و صنعتی شدن سریعی را تجربه کرد. در این سال‌ها بخش صنعت تا اندازه زیادی گسترش یافت به‌طوری که در اواخر دهه ۱۹۶۰ ژاپن به دومین اقتصاد بزرگ دنیا پس از آمریکا تبدیل شد. البته امنیت ملی این کشور زیر چتر نظامی آمریکا، گسترش تجارت جهانی و نرخ ارز با ثبات در رشد معجزه‌آسای ژاپن نقش اساسی داشت. در سال ۲۰۱۸ ژاپن، با داشتن ۰٫۳ درصد از سطح کره زمین (که تنها ۱۷٪ آن مناسب کشاورزی است) و ۱/۶ درصد از جمعیت جهانی، توانسته است با بهره‌گیری از بهره‌وری مطلوب نیروی انسانی مولد خود، نزدیک به ۶ درصد از تولید جهانی را به خود اختصاص دهد. در شاخص‌هایی چون تولید سرانه، نسبت جمعیت مولد، پزشک و تخت بیمارستان، تحقیق و توسعه و نفوذ در بازارهای جهانی، رتبه اول یا دوم جهان را در کنار آلمان یا آمریکا، در دست دارد (متوسلی، ۱۳۷۴، صص ۳ تا ۵). به رغم شهرنشینی بسیار متراکم، از جرم و جنایت نسبتاً به دور مانده است. نسبت سرقت ژاپن در مقایسه با آمریکا، چیزی کمتر از ۷ دهم درصد است. پیشرفت اقتصادی ژاپن چنان چشم‌گیر بوده است که در مقطعی آمریکا را به انتقاد از سخت‌کوشی، کم‌مصرفی و حجم کلان پس‌انداز ژاپنی‌ها واداشت. (اسمیت، دنیس، ۱۳۷۷، صص ۲۲۰ و ۲۱۳). آنچه تصویر ویران ژاپن سال ۱۹۴۵ را به ژاپن ابرقدرت اقتصادی امروز مبدل کرده است، فرآیندی است که عده‌ای آن را معجزه اقتصادی نامیده‌اند (اسمیت، دنیس، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵). هرچند با بلوغ اقتصاد ژاپن از سرعت رشد آن کاسته شد.

۴. عوامل توسعه ژاپن

این عوامل در ۳ دسته فرهنگی، نهادی و ساختاری و سیاست‌گذاری مورد بررسی قرار گرفته است.

۴.۱. فرهنگ کار و توسعه

در نظر ژاپنی‌ها کار امری مقدس است و فعالیت تولیدی، عبادت خدا محسوب می‌شود. به همین خاطر، حتی سود ناچیز نیز، سرمایه‌دار ژاپنی را از تولید باز نمی‌دارد. الگوی صادرات ژاپن مبتنی بر صادرات کالاهای ساخته‌شده و باارزش افزوده بالاست و نه بر صادرات مواد اولیه. درآمد بالای ناشی از این الگو، دوباره برای رشد و توسعه کشور، هزینه می‌شود. الگوی واردات مبتنی بر واردات مواد خام و مواد اولیه موردنیاز صنایع این کشور است. اولویت در ذهن مدیران تولید است و نه سود کوتاه‌مدت، لذا الگوی اقتصادی حاصل، مبتنی است بر ۴ گزاره است (ترشیزی، ۱۳۷۲):

- (۱) واردات مواد خام از خارج،
 - (۲) تولید در وطن
 - (۳) مصرف کالای ساخت وطن
 - (۴) صادرات کالای ساخت ژاپن برای اعتلای نام ژاپن در دنیا.
- تجربه ژاپنی‌ها خاطرنشان می‌کند که عامل توسعه، سیستم یا نوع خاصی از روابط تولید نیست، بلکه چگونگی اندیشه و فرهنگ اقتصادی نهفته در جامعه است

۴.۲. شکل‌گیری بسترهای نهادی و ساختاری

فرهنگ ایده‌آل و سیاست‌های درست تنها زمانی به سرانجام می‌رسد که بسترهای نهادی و ساختاری مناسب و لازم برای توسعه اقتصادی از پیش شکل گرفته باشد و تنها در این بستر صحیح است که می‌توان انتظار رشد و توسعه اقتصادی داشت. بخشی از رشد اقتصادی ژاپن در سال‌های اخیر مرهون همین بسترهایی است که در طول تاریخ ژاپن شکل گرفته است و می‌توان این دوره تاریخی را به دو دوره ادو و میجی طبقه‌بندی کرد. دوره ادو که از سال ۱۶۰۳ آغاز گردید و تا ۱۸۶۷ ادامه داشت، تأثیر زیادی بر بسترهای نهادی و ساختاری ژاپن داشت و زمینه‌های توسعه صنعتی ژاپن در آینده را فراهم آورد.

۴,۲,۱. دوره ادو و زمینه‌های توسعه اقتصادی (۱۶۰۳ تا ۱۸۶۷)

پیش شرط‌های صنعتی شدن و نوسازی بعدی در ژاپن را باید در دوره ادو جستجو کرد (اونو، ۱۳۹۵، ص ۲۹). از اواخر قرن ۱۲ تا قرن ۱۷ که سامورایی‌ها بر ژاپن تسلط داشتند، این کشور شاهد درگیری‌های فراوانی بود و از اواخر قرن ۱۵ تا قرن ۱۶ جنگ‌های داخلی پی در پی تغییر قدرت‌های پی در پی را به همراه داشت (اونو، ۱۳۹۵، ص ۲۷). ساختارهای شکل گرفته در این دوره را می‌توان ذیلا دنبال نمود (حقیقی، ۱۳۸۴).

✓ ساخت طبقاتی:

دولت توکوگاوا برای ابقاء حکومت خود، یک نظام ماهرانه «نظارت و توازن» ایجاد کرد. حکومت، با احضار متناوب سران فئودال به پایتخت و طلب ارائه گزارش از آن‌ها، کنترل شدید خود را اعمال می‌کرد. برای تسری دادن این سیستم نظارتی به سراسر کشور و در میان اقشار جامعه، یک ساخت طبقاتی موروثی (سامورایی، کشاورز، صنعتگر و تاجر) ایجاد کرد. طبقه حاکم را سامورایی‌هایی تشکیل می‌دادند که اجازه حمل سلاح را با خود داشتند. کشاورزان به دلیل مالیاتی که بر برنج پرداخت می‌کردند در طبقه دوم قرار داشتند، ولی هرگز مورد احترام نبودند، صنعت گران در طبقه سوم و تجار در طبقه چهارم قرار داشتند و از همین رو فاصله طبقاتی قابل توجهی در میان سامورایی‌ها و سایرین حتی کشاورزان بود (اونو، ۱۳۹۵). این ساخت طبقاتی، اندک‌اندک زیرساخت‌های اساسی توسعه را شکل دادند.

✓ نظام سیاسی متمرکز و نظام اقتصادی غیرمتمرکز

به‌منظور تسلط سیاسی کافی حکومت، لازم بود که یک نظام اداری سازمان‌یافته، با نیروهای متخصص ایجاد شود و علاوه بر آن عاملی وجود داشته باشد که بین دولت، سپاهیان، حاکمیت و توده مردم وحدت ایجاد کند. این عامل با ترکیب ارزش‌هایی چون احترام و پرستش والدین و وفاداری به وجود آمد و تقویت شد. به‌این‌ترتیب نظام ارزشی مردم و کارکنان دولت، در چارچوب توجه به اهداف جمعی شکل گرفت و تمام کوشش‌های فردی در جهت منافع گروهی، ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌شد. لذا شخصیت فردی خاصی را نتیجه می‌داد (حقیقی،

✓ شخصیت فردی:

نظام ارزشی هدایت شده ژاپنی ها، کودکان ژاپنی را بر اساس اولویت داشتن گروه بر فرد پرورش می داد. در این چارچوب، اگر کسی قادر نبود که رفتار خود را در چارچوب قواعد اجتماع شکل دهی و تنظیم کند، به سخت ترین مجازات طرد شدن از گروه اجتماع محکوم می شد. اما، نه فقط مجازات و محکومیت ها، بلکه محیط آرام و صمیمانه کار باعث می شد هر فرد به نحو احسن به تعهداتش عمل کند. کنترل شدید و تشویق حکومت توکوگاوا بر حفظ ارزش ها، به نهادینه شدن این رفتار اقتصادی و حفظ وجدان کار منجر شد و بستر توسعه سریع ژاپن قرار گرفت (حقیقی، ۱۳۸۴).

✓ بستن مرزهای اقتصادی:

زمانی که کشورهای شرقی، قربانی تجاوزگری ها و استعمار غرب بودند، ژاپن با سیاست انزواطلبی مثال زدنی خود، ضمن ایجاد فرصتی برای ابقاء فرهنگ خود، به شکل دهی آرام زیرساخت های توسعه پرداخت. این سیاست فقط به بستن درها به روی خارجیان و یا اخراج همه اتباع خارجی محدود نبود، از منظر اقتصادی، سیاست انزوا، علاوه بر حمایت غیرمستقیم از صنایع دستی ژاپن، عاملی بود که ژاپن را مجبور می کرد، کالاهایی را که تا پیش از این وارد می کرده است، خود تولید کند. لذا مجبور بودند که تکنیک ها و روش های نوینی بیاموزند و به فناوری های جدیدی دست یابند.

✓ فراهم ساختن زیرساخت های صنعتی، کشاورزی و حمل و نقل

در دوره ادو شاهد گسترش عظیم کشاورزی به ویژه شالیزارهای برنج هستیم. وجود آب دائمی یکی از مهم ترین ویژگی های ژاپن است که حاصلخیزی فراوانی را برای ژاپن به همراه داشته است. اوایشی دوره ادو را «عصر بزرگ افتتاح مزارع» نامیده است (اونو، ۱۳۹۵). هم زمان با رشد تولید محصولات کشاورزی درآمدهای کشاورزی نیز با رشد قابل توجهی همراه بود. از طرفی در کنار کشاورزی، صنایع تبدیلی و فراوری محصولات غذایی نیز توسعه یافتند. البته از نقش آموزش و پرورش در این دوره نباید غافل شد که تأثیر زیادی در شکل گیری فرهنگ مردم ایفا کرد. نهایتاً اینکه حکومت با تعیین ۵ شاهراه اصلی و باز کردن خطوط دریایی و همچنین دستگاه های خدماتی از جمله باربری و پست و نیز مهمان سراهای خصوصی تلاش زیادی برای توسعه صنعت حمل و نقل

انجام داد و همه این‌ها دست به دست هم داد که زیرساخت‌های بسیار مهمی در این دوره ایجاد شود و شاهد شکوفایی و رشد اقتصادی ژاپن باشد (اونو، ۱۳۹۵).

۴،۲،۲. زیرساخت‌های دوره میجی و رفع موانع توسعه

ضعف نظامی حکومت توکوگاوا در ایستادگی در مقابل خواسته‌های غرب، به انقلاب میجی منجر شد که اصلاحاتی تمام‌عیار را به همراه داشت: ساختارهای تجویزی و خشک قدیمی مردود شد، ساختارهای دولتی مناسب، نظام حقوقی جدید و نیروهای مسلح قدرتمند ایجاد شد و نظام اجباری آموزش همگانی، برای بیش از ۹۰٪ کودکان ژاپنی سطح اولیه آموزش را به ارمغان آورد. به جرئت می‌توان گفت توسعه ژاپن بدون ایجاد زیرساخت‌های اساسی و بدون رفع موانع موجود در دوران میجی ممکن نبود. در دوره میجی رهبران ژاپن تنها راه تحقق قدرت ملی و تأمین امنیت ژاپن را در تقویت بینه اقتصادی یافتند و ۴ اقدام اساسی انجام دادند (حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۲):

- ۱- ایجاد زیربنای ارتباطات؛
- ۲- تحول و گسترش آموزش؛
- ۳- وضع قوانین مناسب؛
- ۴- رفع محدودیت‌های موجود در بخش‌های مختلف

✓ ایجاد زیربنای ارتباطات و تحولات اساسی

دولت ژاپن برای تسهیل صادرات، اقدام به احداث راه‌آهن کرد. پیرو این تصمیم بخش خصوصی در سال ۱۸۸۱ اولین راه‌آهن خصوصی را احداث کرد. با ورود اولین کشتی تجار انگلیسی به سواحل ژاپن، توانایی حاکمان توکوگاوا در دفاع از امنیت کشور زیر سؤال رفته بود، لذا گسترش صنعت کشتی‌سازی و توسعه راه‌های دریایی در اولویت قرار گرفت. برای جلوگیری از تسلط خارجی‌ان بر امور مالی و بانکی به سرعت نظام مالی و بانکی پیشرفته‌ای ایجاد شد. سیستم پستی و تلفن، احداث شد. ارتش از روی الگوی آلمان سازمان‌دهی دوباره شد.

نیروی دریایی به شکل نیروی دریایی انگلیس تغییر یافت و پارلمان و نظام مدیریت صنعتی و نظام پولی به اقتباس از اروپا دچار تحول شد (متوسلی، ۱۳۷۴، صص ۱۹۴ تا ۱۹۶).

✓ رفع محدودیت‌ها و موانع توسعه:

میچی تمام نهادها و سازمان‌های مانع بر سر راه یک حرکت سریع توسعه صنعتی را از بین برد. نظام طبقاتی موروثی گذشته از بین رفت. تحول طبقه سامورایی به طبقه مدیران، روحیه اشتیاق به خدمات عام‌المنفعه، معقولیت و اعتقاد به تعلیم را به سطوح بالای مدیریتی وارد کرد. محدودیت‌های رسمی و زائد اجتماعی (که حتی در نحوه لباس پوشیدن هم دخالت داشت) از بین رفت، نخبگان به سطوح تصمیم‌گیری سیاست اقتصاد اجتماع راه یافتند. بی‌سوادی ریشه‌کن شده بود و یک عزم ملی برای استقرار نظام نوین اقتصادی اجتماعی «دولت و مردم را هماهنگ و با قدرت» برای رفع موانع بسیج کرده بود. از آنجا که حکومت معتقد بود، مدرنیزه شدن و توسعه فقط از طریق تحصیلات و دانش فنی بالا امکان‌پذیر است، تمام توان خود را برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی و استقرار آموزشی مدرن به کار گرفته بود (حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۳).

✓ تحول و گسترش آموزش:

حکومت میچی در سال ۱۸۷۱، وزارت آموزش و پرورش را تأسیس کرد و در ۱۸۹۷ نهادهای تربیت معلم بنیان‌گذاری شد. نظام آموزشی که ابتدا از فرانسه و بعد از روی آمریکا تقلید شده بود به علت ترویج فرهنگ غرب‌گرایی، به نظامی تغییر یافت که مبنی بر حفظ ارزش‌های سنتی و اخلاقی بود. در این دوره، دانش آموزان در درجه اول برای آن تربیت می‌شدند که شهروندان وفاداری نسبت به امپراتور و مفید برای جامعه باشند. در مدارج عالی‌تر نیز هدف از آموزش، تخصص یافتن برای خدمت‌گذاری در مقامات اداری، فنی، دولتی و صنعتی بود. این نظام جدید آموزشی اقتباس گرفته از الگوی آلمان بود این نظام آموزشی برای احراز مقام مقدس معلمی، آموزش‌ها و آزمایش‌های، دقیق و ویژه‌ای دارد و به پرورش و تربیت کارآفرینان مبتکر اهمیت خاصی داده است (حقیقی، ۱۳۸۴).

✓ نظام اشتغال

در مؤسسات ژاپنی، اشتغال مادام‌العمر است، این امر نه تنها باعث کاهش بهره‌وری نشده است، بلکه به علت امنیت خاطر شغلی ایجاد شده از یک طرف و محیط صمیمانه کار، بهره‌وری را افزایش داده است. مدیر و کارمند نسبت

به شرکت تعهد اخلاقی دارند و کسانی که تغییر شغل می‌دهند در جامعه، وفاداری پشتکار و روابط انسانی آن‌ها مورد ظن و تردید قرار می‌گیرد (حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۵).

✓ نظام مزد:

مزد بر مبنای سابقه کار پرداخت می‌شود و اختلاف دستمزدها ناشی از مقیاس مؤسسه، موقعیت در سلسله‌مراتب کادر و طبقه‌بندی مشاغل کارمند، کارگر است (حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۵).

۴,۲,۳. ساختار دوگانه اقتصاد

در دوره میجی، سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده ساختار دوگانه‌ای برای اقتصاد ایجاد کرد: شرکت‌های غول‌پیکر در کنار شرکت‌های کوچک. دولت میجی اولویت را به صنایع راهبردی داد، شرکت‌های بزرگ خوشه‌ای توسط بخش خصوصی و با حمایت‌های دولت شکل گرفت و در همه بخش‌های اقتصاد، با اقتدار شروع به فعالیت کردند. این سیاست، شرکت‌های بسیار غول‌پیکری را در بدنه اقتصاد به وجود آورد. از طرفی، گرانی برنج در سال 1919، دولت را به اتخاذ سیاست غذای ارزان واداشت، عدم حمایت مناسب از کشاورزی، مهاجرت به شهرها را افزایش داد. این نیروی کار تخصص خاصی نداشتند. لذا به جهت سطح مهارتی پایین، در شرکت‌های کوچک و متوسط مشغول به کار شدند و به شدت گسترش یافتند. افزایش رقابت در این بخش، باعث شد که بهره‌وری، هماهنگ با صنایع کارخانه‌ای رشد یابد و صنایع کوچک و متوسط هم به عنوان صناعی با قدرت رقابت بالا در کنار شرکت‌های بزرگ، در توسعه سهم باشند (اسمیت، 1377، ص 23).

۴,۲,۴. ساختار و نظام مالی

سطح بالای پس‌انداز ناشی از الگوی مصرفی ساده، باعث شده است، تا نظام مالی ژاپن، کاملاً موافق با وام بانکی باشد. لذا هرچند مؤسسات از نقدینگی مطلوبی برخوردار نیستند، اما این امر مانعی بر سر راه فعالیت‌های شرکت‌ها نیست. رشد زیاد نظام مالی و امنیت مالی ایجاد شده در کنار حجم بالای اعتبارات تجاری، یکی از عوامل بسیار مهم توسعه ژاپن بوده است، که همواره سرمایه‌گذاری‌های مؤسسات کوچک و متوسط در حال رشد را تأمین مالی کرده و سیستم گردش خون سالم را برای پیکره اقتصاد تضمین نموده است (ترشیزی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۴).

۴,۳. سیاست‌گذاری و مدیریت صحیح در به‌کارگیری منابع، بحران‌ها و فرصت‌ها

فرهنگ، زیرساخت‌ها و ساختارهای مناسب توسعه، هرگز بدون تصمیم‌گیری صحیح در مدیریت منابع و مواجهه با بحران با استفاده از فرصت‌ها، موفقیتی در پی نخواهد داشت. البته صحیح هم نیست که بخواهیم یکی را جایگزین دیگری کنیم، همان‌گونه که بدن انسان هم به آب، هم به غذا و هم به اکسیژن نیاز دارد، توسعه اقتصادی هم نیازمند فرهنگ توسعه و هم نیازمند بسترهای لازم و مدیریت صحیح است و وجود هر سه در کنار هم لازم است. فرصت‌ها و تهدیدها در ترکیب با نقاط ضعف و قوت ژاپنی‌ها، آن‌ها را وادار کرد که سیاست‌های خاصی را اتخاذ کنند و به اقدامات ویژه‌ای دست بزنند.

۴,۳,۱. سیاست‌گذاری‌ها تا قبل از جنگ جهانی دوم

✓ بهره‌وری از فرصت‌های خارجی به بهترین وجه

دولت میجی، ایجاد و توسعه اقتصادی صنعتی را که تا آغاز قرن بیستم، به سرعت رشد می‌یافت، آغاز و تقویت نمود. در کانون این اقتصاد صنعتی، شرکت‌های خوشه‌ای بزرگ و یکپارچه صنعتی و مالی قرار داشت، که به‌عنوان شکلی از تشکیلات اقتصادی، حتی پس از جنگ نیز بر اقتصاد ژاپن مسلط بود. جنگ جهانی اول، با توسعه تقاضا برای صنایع نظامی و صنایع سنگین، موجب جهشی عظیم در اقتصاد صنعتی ژاپن شد به شکلی که تا سال ۱۹۲۰، بخش صنایع کارخانه‌ای بیش از ۵۰٪ نسبت به سال ۱۹۱۴ رشد داشت. ژاپنی‌ها با بهره‌گیری از فرصت پیش‌آمده، از طریق انتقال فناوری‌های پیشرفته‌تر به سمت صنایع جدیدی چون کالاهای برقی و هواپیماسازی روی آوردند و به ارتقاء کیفیت محصولات پرداختند (حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۷).

✓ مقاومت‌سازی اقتصاد در برابر تکانه‌ها

ملی‌گرایی افراطی تجار بزرگ و افکار عمومی در کنار اقدامات خودسرانه نیروی زمینی، باعث شد، ژاپن سیاست اشغال کشورهای خارجی را در پیش بگیرد. هرچند اهداف توسعه‌طلبی، با گذشت زمان تغییر کرد، اما جست‌وجو برای منابع اقتصادی مطمئن، عاملی بود که در اغلب تجاوزات ژاپن به دیگر کشورها نقش عمده را ایفا می‌کرد (متوسلی، ۱۳۷۴، صص ۳۶ تا ۴۰). فقر نسبت به مواد اولیه، ضربه‌پذیری ژاپن را در مواقع بحران زیاد می‌کرد.

برای رفع این نقطه ضعف، ابتدا با اتخاذ سیاست خوداتکایی به خودکفایی بالا در محصولات کشاورزی رسید. وابستگی شدید به منابع معدنی، ژاپن را وادار به استفاده از استراتژی نیاز متقابل کرد، از آنجا که ژاپن هم برای خرید مواد خام و هم فروش محصولات تولیدی خود به بازار بین‌المللی وابسته است، با سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم در کشورهای صادرکننده مواد اولیه، ضمن احداث صنایع تبدیلی و فراوری مواد اولیه (پتروشیمی در ایران، آلومینیوم در اندونزی) در عین در دست گرفتن کلید صنایع زیربنایی، این کشورها را هم برای خرید کالاهای ژاپنی و هم فروش مواد اولیه خود، در یک وابستگی متقابل قرار داده است. برای جبران ضعف در تولید انرژی هم، ضمن تغییر ساختار صنعتی به سمت صنایع تکنولوژی بر، به سیاست صرفه‌جویی در انرژی و تنوع دادن به منابع انرژی (توسعه انرژی هسته‌ای) روی آورده است. به این ترتیب، تفکر لزوم کنترل بر مواد خام حیاتی اقتصاد، انگیزه توسعه‌طلبی ژاپن و رفع ناامنی اقتصادی طی سال‌های ۱۹۲۰ بود. اما این سیاست توسعه‌طلبانه به برخوردهای مکرر با قدرت‌های غربی منجر شد و بالأخره وقتی ژاپن از اشغال دائم خود دست برداشت بالأخره، آمریکا، تأمین نفت ژاپن را متوقف کرد. تداوم این برخوردها جنگ اقیانوس آرام ۱۹۴۱ را در پی داشت (اسمیت، ۱۳۷۷، ص ۲۲۲).

۴,۳,۲. سیاست‌های دوران اشغال توسط آمریکایی‌ها

✓ سیاست تسلیم

در سال ۱۹۴۵، پیام تسلیم امپراتوری ژاپن قرائت شد، هیچ‌کس انتظار آن را نداشت که ژاپن به این سرعت تسلیم شود. غرور ملی ژاپنی‌ها اجازه نمی‌داد تسلیم دشمنی شوند که حتی از طریق زمینی به خاک آن‌ها وارد نشده است. هنوز انگیزه ادامه جنگ وجود داشت (۵۰۰۰ افسر ارشد ژاپنی پس از قرائت بیانیه تسلیم، خودکشی کردند). با این حال ژاپن از وارد شدن خسارات عمده به زیرساخت صنعتی کشور جلوگیری کرده بود و هزینه‌های بازسازی را صرف نوسازی و تجهیز صنایع کرد (اسمیت، ۱۳۷۷، ص ۲۲۲). در نتیجه سیطره آمریکا بر ژاپن را زیاد کرد و تا امروز ژاپن تحت تأثیر سیاست‌های و مداخلات آمریکاست.

✓ منحرف کردن اصلاحات اشغالگران

ژاپن به منظور ایجاد نظم نوینی از صلح، عدالت و امنیت همچنین برای استقرار دولتی مسئول و متمایل به صلح بر طبق اراده مردم اشغال شد، هدف از اشغال تغییر دادن ارزش‌ها و رفتار ژاپنی‌ها در طرفداری از آمریکا بود، اما انزوایی ژاپنی‌ها، وضعیتی خاص برای ژاپن ایجاد کرده بود، مشکل زبان پیچیده ژاپنی هم برای ارتباط مزید علت شده بود. به خاطر وضعیت خاص ژاپن، آمریکا مجبور شد سیاست اداره غیرمستقیم را اتخاذ کند و مدیریت اجرایی را به رهبران ژاپنی بسپارد، به این ترتیب، ژاپنی‌ها زیرکانه، اصلاحات اشغالگران را به سمت دیگری سوق می‌دادند که با قصد اشغال‌گران، تفاوت اندکی داشته باشد (اسمیت، ۱۳۷۷، ص ۵۶).

✓ عدم مقاومت مردمی جدی:

از آنجاکه ژاپنی‌ها اساساً متعهد به ارزش‌ها و روابط انسانی‌اند، هنگامی که کمک‌های وسیع آمریکا را می‌دیدند (هرچند به منظور اجرای سیاست‌های آمریکایی)، مقاومت مردمی در برابر حضور اشغالگران کاهش می‌یافت و حتی با آن‌ها خوش رفتاری هم می‌شد. این روحیه عمومی یکی از عوامل تغییر نگرش اشغالگران نسبت به ژاپنی‌ها بود و باعث شد که علیرغم کمبود شدید مواد غذایی و سرما، بخش وسیعی از جمعیت بی‌خانمان، با کمک‌های غذایی نیروهای اشغالگر، همچنان زنده بمانند (حقیقی، ۱۳۹۴).

✓ عقب‌گرد در سیاست‌های آمریکا:

جنگ سرد آمریکا و شوروی هر سیاستی که موجب تضعیف ساختار جامعه و اقتصاد ژاپن بود، از بیم نفوذ کمونیست کنار می‌گذاشت. مدیران ژاپنی نیز از این فرصت استفاده کرده و در تغییر اصلاحات به نفع ژاپن به شدت تلاش کردند. در مجموع تحلیل هزینه فایده ژاپن برای آمریکا، اصلاحات را در جهت بهبود شرایط اقتصادی هدایت می‌کرد. با تلاش دولت‌مردان، اصلاحات اشغالگران در این کانال‌ها اجرا شد.

✓ اصلاحات ارضی:

تصمیم بر آن شد که تمامی مالکین زمین‌های زراعی، زمین‌های خود را به دولت بفروشند، تا دولت زمین‌ها را بین زارعین تقسیم کند. این اصلاحات اساسی، باعث شد که بسیاری زارعین خود مالک زمین زراعتی شوند و طبقه‌ای

از زمین‌داران کوچک ایجاد شد. این امر نه تنها انگیزه و اراده زارعان را برای تولید بالا برد، با افزایش درآمد و سطح زندگی زارعان، تقاضای کل را افزایش داد (اسمیت، ۱۳۷۷، صص ۶۱ تا ۶۲).

✓ انحلال کارتل‌های اقتصادی

شرکت‌های بزرگ خوشه‌ای که کارتل‌های قدرتمند اقتصاد ژاپن بودند، به بهانه حمایت آن‌ها از جنگ و در اصل به منظور فروپاشی تمرکز قدرت مالکان آن‌ها، به زیرمجموعه‌های کوچک‌تر تقسیم شدند. اما عدم تغییر ساختار زیرمجموعه‌ها کارایی تولید را کاهش نداده و حتی باعث افزایش رقابت و بهبود کیفیت میان زیرمجموعه‌ها شد (حقیقی، ۱۳۹۴).

✓ اتحادیه‌های کارگری:

تلاش برای تشکیل جامعه‌ای دموکراتیک، از طریق ایجاد جنبش‌های کارگری پیگیری شد، اما اتحادیه‌ها روزبه‌روز اختلافات را دامن زده و اعتصابات زیادی شکل دادند. بالأخره سازمان دهندگان اعتصاب تصمیم گرفتند، از افراط‌گری‌های سیاسی جمعی دست‌بردارند و در عوض به کارفرمای خود، در شرکتی که به واقع به آن‌ها هویت داده است، وفادار باقی بمانند. در مقابل کارفرمایان ضمن تأمین امنیت خاطر کارکنان و استخدام مادام‌العمر، در بهبود شرایط کار تلاش کنند (حقیقی، ۱۳۹۴).

✓ نظام آموزشی:

از آنجا که نظام آموزشی قبلی به شدت بر ارزش‌های سنتی ژاپنی تأکید داشت، لازم بود تا یک نظام آموزشی برای شکل‌دهی نظام ارزشی غربی ایجاد شود. البته آمریکایی‌ها در کنار اصلاح نظام ارزشی، آموزش علوم، فنون و تکنیک‌های نوین را نیز در این نظام آموزشی گنجانند که یکی از عوامل اصلی پرورش نیروی کار ماهر برای توسعه به شمار می‌آید (متوسلی، ۱۳۷۴، ص ۲۰۳).

۴.۳.۳. سیاست‌های اقتصادی در دوران استقلال

پس از پایان دوره اشغال و اعلام استقلال ژاپن، ژاپنی‌ها برای نوسازی کشورشان به سرعت دست‌به‌کار شدند. در سیاست‌های دوران اشغال تجدید نظر شد. محدودیت‌ها برداشته شد. نظام آموزشی، بار دیگر ارزش‌ها و سنت‌های

ژاپنی را در برگرفت. در بسیاری از موارد حتی منتظر نشدند تا قوانین با روال عادی اداری، رسماً تغییر کند، مقررات ضد انحصار را نادیده گرفتند و به سرعت اقدام به ایجاد کارتل‌های قدرتمند کردند. تا پیش از پایان جنگ کره، ژاپن دقیقاً سیاست اقتصادی خود را انتخاب کرده بود. از یک طرف مقابله با بحران‌هایی از قبیل زلزله مهیب، ۱۹۲۳، رکود سال ۱۹۲۰ و انقباض پولی دهه ۳۰ و جنگ‌های گوناگون، به ژاپنی‌ها طریقه تصمیم‌گیری صحیح در مقابله با بحران را آموخته بود و از طرف دیگر، ژاپنی‌ها برای دستیابی دوباره به اقتدار خود، لازم می‌دیدند که از کوچک‌ترین فرصت پیش‌آمده به بهترین نحو استفاده کنند. چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی ژاپن پس از استقلال به این شرح بود:

✓ بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصاد بین‌المللی

اقتصاد ژاپن به شدت به بازار بین‌المللی وابسته است؛ سال ۱۹۴۹ سال رکود اقتصادی جهان بود، اما پس از رشد ۳۴ درصدی تجارت جهانی، هم‌زمان با جنگ کره، صادرات، اشتغال، تولید و سود ژاپن به شدت افزایش یافت. قسمتی از رشد ۷۰ درصدی تولید، ناشی از استفاده ژاپن از جو اقتصادی بین‌المللی بود. این محیط اقتصادی آزاد، ژاپن را قادر ساخت که جدیدترین فناوری‌ها را بدون تحمل کامل هزینه‌های تحقیق و توسعه خریداری کند. به علاوه می‌توانست با بهره‌گیری از رژیم تجاری گات، تولیدات فزاینده صنایع کارخانه‌ای خود را با حداقل محدودیت به فروش برساند (اسمیت، ۱۳۷۷، ص ۲۲۴). از طرف دیگر رشد جهانی باعث افزایش تقاضا برای نفت شده بود، تقاضا برای نفت‌کش‌های عظیم ژاپنی افزایش یافت و صنعت کشتی‌سازی، رونق دوباره گرفت که منجر به توسعه صنایع آهن و فولاد نیز شد و نهایتاً وقوع جنگ کره، آغازی برای سرمایه‌گذاری‌های سنگین و رشد معجزه‌آسای ژاپن بود که تا دهه ۱۹۷۰ با متوسط نرخ رشدی معادل ۱۰٪ در سال ادامه داشت. ژاپن به سرعت مسئولیت تأمین تدارکات نیروهای آمریکایی را در جنگ بر عهده گرفت، این سیاست از یک طرف باعث ورود ارز به کشور و از طرف دیگر باعث رشد صنعت خودروی ژاپن شد. در نتیجه ژاپن توانست، به این بهانه، جدیدترین فناوری صنعتی را وارد چرخه اقتصاد کند (فهمی فر، ۱۳۷۹).

✓ ارتقای کیفیت و شدت یافتن رقابت در عرصه بین‌المللی:

در سال‌های اولیه پس از استقلال، کالاهای ژاپنی به کیفیت پایین اما قیمت ارزان مشهور بودند. اما ژاپنی‌ها نمی‌توانستند این نگاه را به محصولات خود تحمل کنند. از طرف دیگر افزایش رشد تولیدات، رقابت را در صحنه جهانی شدت بخشیده بود. لذا تمام هم‌وغم ژاپنی‌ها بر کاهش ضایعات تولید در حد صفر قرار گرفت، نظام درست سروقت و نظام کنترل کلی کیفیت برپا شد. فقط کالاهایی که مطابق با استانداردها بودند اجازه صدور می‌یافتند و از این زمان، ارزش‌گذاری توانایی شرکت‌ها، بر اساس تحقق بهترین کیفیت انجام می‌شد (حقیقی، ۱۳۹۴).

✓ هزینه دفاعی اندک:

با اعلام استقلال ژاپن، علیرغم اختلاف نظرها، هزینه‌های دفاعی حذف شد و امنیت و دفاع به عهده ارتش آمریکا گذاشته شد. کم بودن سهم امور دفاعی از کل هزینه‌های دولت و روند کاهشی آن به سطح ۷ درصد در سال ۱۹۷۰، به دولت امکان داد تا فعالیت‌های خود را جهت احداث تأسیسات زیربنایی متمرکز نماید که نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه ژاپن ایفا کرد (حقیقی، ۱۳۹۴).

✓ بحران نفتی ۱۹۷۳ و حرکت به سمت فناوری‌های پیشرفته:

رشد پرشتاب ژاپن در سال ۱۹۷۳، متوقف شد. تجربه شوک نفتی، جهت‌گیری‌ها را به سمت تولید محصولات صنعتی نیازمند فناوری پیشرفته، سوق داد و از توجه نسبت به صنایعی که به مواد اولیه زیاد نیاز دارند کاست. استفاده از این تجربه ژاپن را به با کفایت‌ترین کشور در مصرف انرژی تبدیل کرده بود به شکلی که در دومین شوک نفتی سال ۱۹۷۹ ژاپن نسبت به دیگر کشورها وضعیت بهتری داشت (متوسلی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۴). حتی صنعت خودروی ژاپن این بحران را به فرصت رشد تبدیل کرده بود. زمانی که شوک نفتی، قیمت‌های بنزین را به شدت افزایش داده بود، ژاپن توانست با عرضه اتومبیل‌های فوق‌العاده کم‌مصرف در مقایسه با اتومبیل‌های آمریکایی به سرعت بازار اتومبیل داخل آمریکا و اروپا را تصاحب کند و صنعت خودروی خود را توسعه دهد (مهدوی ایزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۶).

✓ سیاست ارزی فعال و افزایش قدرت رقابت پذیری در سطح جهانی:

کاهش ارزش دلار برای ژاپن به معنی کاهش صادرات و افزایش واردات بود، اما ژاپن با استفاده از نقطه قوت صنایع خود در انعطاف پذیری و توانایی کاهش هزینه های تولید از طریق صرفه جویی و افزایش کارایی، توانست همچنان در صحنه رقابت باقی بماند (حقیقی، ۱۳۸۴).

✓ فشارهای امریکا برای محدودیت صادرات:

ژاپن توانسته بود، به سرعت خود را به یک ابرقدرت اقتصادی تبدیل کند، در سال ۱۹۸۰ بیش از ۸۰٪ از رشد ژاپن ناشی از رشد صادرات بود که قسمت اعظمی از آن به آمریکا صورت می گرفت. در داخل خاک امریکا، شرکت های ژاپنی به سرعت از رقبای آمریکایی خود پیشی گرفته بودند. رشد ژاپن انتقاد آمریکایی ها را در پی داشت! یک انتقاد عجیب ولی محوری آمریکا این بود که ژاپنی ها بسیار سخت کوشند و این امر ضمن افزایش بهره وری، اوقات فراغت آن ها را، که در خلال آن می توانند مصرف کننده کالای آمریکایی باشند، محدود می سازد! بالأخره گسترش مازاد تجاری ژاپن در مقابل آمریکا، به ایجاد منازعات و فشارهایی از طرف آمریکا برای محدودیت صادرات منجر شد. فشارهای امریکا دولت ژاپن را واداشت تا مردم را به طرف کالای آمریکایی تشویق کند و ارزش دلار را در برابرین کاهش دهد، تا کالاهای آمریکایی ارزان تر تمام شوند. اما ژاپنی ها با زیرکی تمام از ارزان شدن کالاهای آمریکایی استفاده کرده و برخی مستغلات استراتژیک آمریکا را خریداری کردند شرکت فیلم کلمبیا را شرکت سونی خریداری کرد سواری رایگان ژاپن از آمریکا در مقابل دفاع آمریکا از ژاپن بی مزد و منت، سوءظن آمریکایی ها را برانگیخته بود، ولی تنها توانستند ژاپن را به پرداخت قسمتی از هزینه جنگ خلیج فارس مجبور کنند (اسمیت، ۱۳۷۷، صص ۲۱۳ و ۲۱۲).

✓ وابستگی به واردات تکنولوژی خارجی:

ژاپنی ها، از تسلط شرکت های چندملیتی بر اقتصاد کشور، هراس داشتند لذا با وضع قوانین کنترلی بر ورود سرمایه های خارجی، از نفوذ شرکت های چندملیتی به ژاپن جلوگیری می شد. از طرف دیگر دسترسی به فناوری خارجی برای صنایع ژاپن حیاتی بود. سیاست ژاپن در این مورد با اولویت دادن به مبادلات تجاری که به انتقال فناوری تعیین شده کمک می کرد و همچنین با برقراری تعرفه های وارداتی تا حدی از این مشکل کاست. نرخ

پس‌انداز بالا، امکان اعطای تسهیلات هنگفت و سرمایه‌گذاری گسترده برای دسترسی به آخرین فناوری را فراهم می‌کرد. به این منظور، کم‌کم سرمایه‌گذاری بر روی تحقیق و توسعه خود را جایگزین واردات گسترده فناوری کرده و موجبات پیشبرد فناوری را برای ژاپن فراهم کرده است (حقیقی، ۱۳۹۴).

۴,۳,۴. دوران شکوفایی و جهش اقتصادی

درست است که ژاپنی‌ها در مواجهه با بحران‌ها و استفاده از فرصت‌ها، همواره هوشیارانه عمل کرده‌اند، اما تمام تصمیم‌گیری‌های دولت‌مردان در این زمینه، در جهت تحقق برنامه‌ها و سیاست‌های از پیش تعیین‌شده دولت بوده است: برنامه تجدید حیات اقتصادی (۱۹۴۹)، برنامه ۲ برابر کردن درآمد (۱۹۶۱)، برنامه ۵ ساله جهت خودکفایی (۱۹۵۶-۱۹۶۰)، برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی ۱۹۶۷ برنامه پایه اقتصادی اجتماعی (۱۹۷۳-۱۹۷۷)، برنامه مدیریت اقتصادی با دید بین‌المللی و ... طی سال‌های اولیه پس از جنگ اقدامات دولت در جهت سازندگی ژاپن جدید، بیشتر به رفع موانع محدود می‌شد. (حذف اقتصاد بازار سیاه و رفع مشکل تورم)، اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در صنایع پایه‌ای مانند برق، فولاد، حمل‌ونقل دریایی و ذغال سنگ و حمایت دولت از آن‌ها صنایع زیربنایی را رونق بخشیده بود. در جهت تحقق برنامه تجدید حیات اقتصادی، سیاست تشویق ذخیره‌سازی سرمایه جای خود را باز کرد و خون تازه در رگ اقتصاد دمید. تأسیس بانک توسعه بسیار کارآمد، سیستم مالیاتی پیشرفته و مشوق تولید، قانون تشدید اقتصادی شدن واحدهای اقتصادی، تخصیص ارز حمایتی، واردات سریع فناوری و حمایت از صنایع داخلی، تولید را تا سال ۵۲ به شدت افزایش یافت و از اهداف برنامه هم فراتر رفت (حقیقی، ۱۳۹۴).

✓ سیاست حمایت از صنایع داخل

همان‌طور که در بخش‌های گذشته اشاره شد، الگوی اقتصاد ژاپن بر اساس محصولات داخلی (هم در بازار داخلی و هم در بازار خارجی) است. به منظور فروش افزایش و تسهیل فروش اقدامات بسیاری انجام شد: احداث خطوط ارتباطی با دادن اختیار عمل به بخش خصوصی، تشکیل شرکت‌های بازرگانی عمومی ژاپنی برای رهایی از تسلط خارجی‌ان بر امور بانکی و تجاری، محدودیت واردات کشاورزی و افزایش بازدهی تولید، تثبیت قیمت‌ها

در زمان رقابت بیش از حد و اعطای اعتبارات با ضمانت بانک مرکزی از این جمله اقدامات است (متوسلی، ۱۳۷۴، صص ۲۶ تا ۲۱۱).

✓ سیاست آزادسازی تجاری

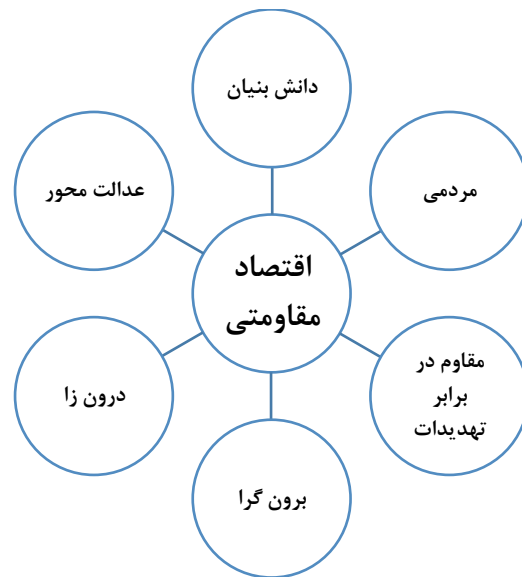
مگر در صناعی که به توان رقابتی لازم نرسیده‌اند. به منظور «دسترسی آسان‌تر به فناوری تولیدی و بازارهای فروش دولت‌مردان ژاپنی تلاش‌های زیادی برای عضویت در سازمان‌های بین‌المللی به خرج داده‌اند: عضویت در سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، همه جهت افزایش فرصت‌های صادراتی به کشورهای صنعتی صورت گرفت. OECD بانک جهانی و سیاست انگیزش مالیاتی تحقیقات مالیاتی ژاپنی‌ها به شرکت‌ها اجازه می‌داد که عواید توزیع نشده آن‌ها مرتباً افزایش یافته و ضمن گسترش کار خود، توان مقابله با شوک‌های اتفاقی را داشته باشند (متوسلی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۳).

✓ نقش راهبردی برنامه‌ریزی دولت

برنامه‌های ژاپن ابتدا به تعیین مسیر دلخواه توسعه اقتصادی اجتماعی می‌پردازد و با تبیین سیاست‌های دولت، دولت را از مداخله در فعالیت‌های اقتصاد منع کرده و وظیفه دولت را در رهبری مردم و بخش خصوصی در رفتار و خطی مشی‌ها قرار داده است. نکته جالب توجه این است که در همه برنامه‌های دولت اهمیت خاصی به تربیت نیروی انسانی متخصص داده شده است (ترشیزی، ۱۳۷۲، صص ۱۲۰-۱۳۲). نقش اساسی برنامه‌های دولت در پیش‌بینی شرایط قابل‌دسترس است. در برنامه‌ها ضمن پیش‌بینی دقیق و تشخیص مشکلات احتمالی آینده سیاست‌های میان‌مدت و بلندمدت تعریف شده و اولویت اهداف، آن‌ها مشخص می‌شود. این پیش‌بینی‌ها، برای بخش خصوصی و خانوارها نقش راهنما را دارند.

۵. اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های اساسی آن

آنچه که تاکنون مطرح گردید، تجربه تاریخی ژاپن در رسیدن به توسعه اقتصادی بود. در این بخش به بررسی مؤلفه‌ها و سیاست‌های اساسی اقتصاد مقاومتی پرداخته و نشان خواهیم داد که تا چه حد پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دارای مصداق تاریخی خارجی در ژاپن نیز بوده است. رسیدن به این هدف مستلزم در اختیار داشتن یک چارچوب کلی از اقتصاد مقاومتی است. مهم‌ترین ابرهای مفهومی اقتصاد مقاومتی شامل یکسری عناوین کلی است (پیغامی ۱۳۹۳) که به ۶ حوزه اساسی قابل تفکیک است:



۵.۱. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی در سال ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری جهت اجرا ابلاغ گردید. روح حاکم بر این سیاست‌ها، پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است که در واقع عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد. همچنین اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحران‌های رو به افزایش جهانی، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد و زمینه و فرصت مناسب را برای نقش‌آفرینی مردم و فعالان اقتصادی در تحقق حماسه اقتصادی فراهم کند. این سیاست‌ها در ۲۲ بند مطرح شده است.

۵.۲. نقاط اشتراک و افتراق معجزه اقتصادی ژاپن و سیاستها یا مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

آنچه که تاکنون مطرح گردید، یک سیر اجمالی از تجربه توسعه اقتصادی ژاپن و همچنین یک نگاه جامع به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ایران بوده است که زمینه یک تحلیل و بررسی جامع از حیث نقاط افتراق و اشتراک را ایجاد کرده است. مهمترین این وجوه مقایسه‌ای به شرح زیر بوده است:

۱- فرهنگ کار و توسعه یکی از مهم‌ترین ریشه‌های توسعه و رشد اقتصادی ژاپن محسوب می‌شود. مجموعه عواملی در ژاپن وجود دارد که سبب شده انگیزه‌های رفتاری و حرکت‌های جمعی مردم جهت خاصی یافته و از اصول مشخصی پیروی نماید. الگوی مصرفی ساده، میل به پس‌انداز بالا، وجدان کاری، جامعه متشکل گروه گرا، تسلیم‌ناپذیری در مقابل اجنبی و امثال آن که به شدت رفتار اقتصادی افراد را تحت تأثیر قرار داده است. (این موارد در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی خصوصاً بند ۸ و ۲۰ مورد تأکید قرار گرفته است).

۲- ژاپنی‌ها با حس ناسیونالیستی شدید خود همواره فرهنگ اصیل خود را در برخورد با فرهنگ غربی حفظ کرده‌اند. برای پیشرفت و سربلندی کشور خود، آگاهانه و هدف‌دار از علم و فن سود جسته‌اند (مؤلفه درون‌زایی و سیاست‌های بند ۳ و ۲۱).

۳- فرهنگ هم می‌تواند عامل توسعه باشد و هم مانع توسعه؛ به همین دلیل است که تا محیط فرهنگی اندیشه عمیق لازم جهت توسعه اقتصادی، به هر شیوه و هر سیستم، هم در میان نیروهای مولد و هم رهبران اقتصادی سیاسی یک جامعه حاکم نباشد، برنامه‌های کاغذی مدرنیزاسیون و نتیجه‌ای به بار نخواهد داد. نمونه کاملاً عینی این مدعا را در غالب کشورهای صادرکننده مواد خام، نظیر نفت، می‌توان مشاهده کرد غالب این کشورها تمام اندیشه اقتصادی خویش را مصروف چگونگی صدور تخلیه سرمایه‌های میهنی و مردمی خود به بازارهای جهانی کرده و حتی به رقابت با یکدیگر بر سر عرضه منابع خدادادی خود بر خواسته‌اند، دست از تلاش برای انقلاب فرهنگ و اندیشه اقتصادی متکی به تولید کشیده و هیچ نیازی به آن نمی‌بینند. اصلاح این رویه در ژاپن بسیار مؤثر بوده است (مؤلفه‌های درون‌زایی، برون‌نگری، مقاوم شدن در برابر تکانه‌های خارجی و سیاست‌های بند ۱، ۲، ۳، ۶، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ و ۱۵)

۴- اهمیت علم و دانش برای طبقه سامورایی‌ها، آن‌ها را به طبقه‌ای با سطح سواد بالا مبدل کرده بود، که در دوره‌های بعدی علاوه بر آموزش، کار مدیریت حرفه‌ای را نیز بر عهده گرفتند. ساختارهای شکل گرفته در این دوره را می‌توان در ساخت طبقاتی نظام ارزشی متمرکز شخصیت فردی و انزوای طلبی خلاصه کرد (بند ۲ و ۳ و ۲۰ و ۲۱).

۵- نظام سیاسی متمرکز و نظام اقتصادی غیرمتمرکز مهم‌ترین شیوه مدیریتی اقتصاد ژاپن بوده است که اقتصاد ایران به دلیل وابستگی تاریخی به درآمدهای نفتی و تکنولوژی وارداتی پیش از انقلاب اسلامی بخش زیادی از اقتصاد را به صورت متمرکز مدیریت کرده است. این وابستگی تاریخی اقتصاد ایران به دولت نیازمند اصلاح جدی است و می‌بایست زمینه حضور بخش خصوصی را فراهم آورد (مؤلفه مردمی کردن اقتصاد و واگذاری امور اقتصادی به بخش خصوصی و سیاست‌های بند ۱ و ۲ و ۳ و ۶)

۶- زمانی که کشورهای شرقی، قربانی تجاوزگری‌ها و استعمار غرب بودند، ژاپن با سیاست انزوای طلبی خود، ضمن ایجاد فرصتی برای ابقاء فرهنگ خود، به شکل‌دهی آرام زیرساخت‌های توسعه پرداخت. این سیاست فقط به بستن درها به روی خارجی‌ان و یا اخراج همه اتباع خارجی محدود نبود، از منظر اقتصادی، سیاست انزوا، علاوه بر حمایت غیرمستقیم از صنایع دستی ژاپن، عاملی بود که ژاپن را مجبور می‌کرد، کالاهایی را که تا پیش از این وارد می‌کرده است، خود تولید کند. لذا مجبور بودند که تکنیک‌ها و روش‌های نوینی بیاموزند و به فناوری‌های جدیدی دست یابند. به این ترتیب، در کنار تعالیم گزینش‌شده کنفوسیوس، همچون الگوی مصرفی صرفه جویانه و پس‌انداز بالا، رفتار تولیدی سازنده و حفظ وجدان کاری، به مدیریت ژاپنی آموخت که چگونه می‌تواند به فناوری‌های نوین دست یابد (انطباق با مؤلفه درون‌زایی و محل افتراق با سیاست برون‌نگری). با این وجود اقتصاد ایران نیاز به آن دارد که در واردات کالاها و مصنوعات خارجی یک نوع سیاست انزوا طلبی ایجاد نماید تا از این طریق از تولید داخلی حمایت نماید و از طرفی در توسعه صادرات خود برون‌نگر باشد (بند ۸ و ۲۲)

۷- دوران ادو علاوه بر نهادینه کردن رفتار اقتصادی و اخلاق کار، با ایجاد زیرساخت‌هایی چون سیستم امنیتی و دفاعی قدرتمند، جاده‌های ارتباطی، نظام نظارتی و نظام اداری متخصص و با پایه‌گذاری صنایع اساسی، کشور را برای ورود به مرحله جدیدی از تحولات اقتصادی، آماده کرد. مهم‌ترین ویژگی دوره

ادو این بود که پیش‌شرط‌های صنعتی‌شدن و نوسازی بعدی را در همین دوره ایجاد کرد. این مهم در توسعه دوره‌های بعدی ژاپن بسیار مؤثر بود (بند ۱۰ سیاست‌ها)

۸- در سال‌های اولیه پس از استقلال، بحران نفتی ۱۹۷۳ سبب حرکت اقتصاد ژاپن به سمت فناوری‌های پیشرفته شد. چرا که رشد پرشتاب ژاپن در سال ۱۹۷۳، به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی و ورود یک شوک اقتصادی متوقف شد. تجربه شوک نفتی، جهت‌گیری‌ها را به سمت تولید محصولات صنعتی نیازمند فناوری پیشرفته، سوق داد و از توجه نسبت به صنایعی که به مواد اولیه زیاد نیاز دارند کاست. یک سیاست لازم برای اقتصاد ایران نیز کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و مقاوم کردن اقتصاد در برابر تکانه‌های خارجی است (مؤلفه مقاوم شدن اقتصاد در برابر تکانه‌های خارجی و دانش‌بنیان شدن اقتصاد، سیاست‌های بند ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۷)

۹- بعد از جنگ جهانی دوم و شکست ژاپن از داشتن ارتش ممنوع شد. با اعلام استقلال ژاپن، علیرغم اختلاف‌نظرها، هزینه‌های دفاعی حذف شد و امنیت و دفاع به عهده ارتش امریکا گذاشته شد. کم بودن سهم امور دفاعی از کل هزینه‌های دولت و روند کاهشی آن به سطح ۷ درصد در سال ۱۹۷۰، به دولت امکان داد تا فعالیت‌های خود را جهت احداث تأسیسات زیربنایی متمرکز نماید که نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه ژاپن ایفا کرد. با این وجود چنین رویکردی برای ایران عملاً امکان‌پذیر نیست. چرا که موقعیت ژئوپلیتیک ایران و تهدیداتی که همواره کشور با آن مواجه بوده است سبب شده است که سرمایه‌گذاری بر صنایع دفاعی یک اولویت اساسی باشد. ضمن اینکه صنایع نظامی مادر صنایع دانش‌بنیان محسوب می‌شود و سرریز پیشرفت در این صنایع به صنایع دانش‌بنیان و بعد صنایع تولیدی کشور نیز میرسد. لذاست که مهمترین وجه افتراق سیاست‌های توسعه ژاپن با مولفه‌های اقتصاد مقاومتی را می‌توان در همین نکته خلاصه کرد.

مواردی که در بخش فوق مطرح گردید تنها نمونه‌ای از اشتراکات و افتراقات سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تجربه تاریخی ژاپن در مسیر پیشرفت اقتصاد است. لذاست که می‌توان ادعا کرد سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ایران دارای مصادیق موفق پیشینی نیز بوده است و بررسی جزئی‌تر تجربه کشورهای مختلف می‌تواند راه‌کارهای اجرایی قابل توجهی را در اختیار قرار دهد.

۶. جمع‌بندی نتیجه‌گیری

این مقاله باهدف تجربه نگاری تاریخی معجزه اقتصادی ژاپن در تطبیق با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و ارائه درس‌هایی برای اقتصاد ایران به رشته تحریر درآمده است. نگاشتن تجربه‌های اقتصاد ژاپن در خلق معجزه اقتصادی در کنار تطبیق آن با مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های ابلاغی آن در ایران بیانگر آن است که اشتراکات قابل توجهی در میان علل توسعه ژاپن و سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی وجود دارد که در صورت پافشاری بر اجرای این سیاست‌ها در ایران، می‌تواند مسیر پیشرفت و توسعه ایران را هموار سازد. با این وجود نقاط افتراقی نیز وجود دارد که مسیر پیشرفت ایران اسلامی را از توسعه ژاپن متمایز می‌کند. مقاله حاضر نشان داد که بسیاری از مؤلفه‌ها و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ایران، از عوامل توسعه یافتگی کشورهایی به مانند ژاپن بوده است و در واقع این سیاست‌ها دارای تجربه اجرایی موفق در کشورهای دیگر بوده است. تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور، پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، محور قراردادن رشد بهره‌وری، افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی، مدیریت مصرف، اصلاح و تقویت همه‌جانبه‌ی نظام مالی کشور، حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و جلوگیری از واردات بی‌رویه، افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور، صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور، شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن، نظام اقتصادی غیرمتمرکز مهم‌ترین جنبه‌های اشتراک میان تجربه توسعه اقتصادی ژاپن و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بوده است. با این حال مهم‌ترین نقطه افتراق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تجربه توسعه اقتصادی محرومیت ژاپن از داشتن ارتش و از دست دادن استقلال نظامی خود است. هر چند کم بودن سهم امور دفاعی از کل هزینه‌های دولت و روند کاهشی آن به سطح ۷ درصد در سال ۱۹۷۰، به دولت امکان داد تا فعالیت‌های خود را جهت احداث تأسیسات زیربنایی متمرکز نماید؛ اما چنین رویکردی برای ایران عملاً امکان‌پذیر نیست. چرا که موقعیت ژئوپلیتیک ایران و تهدیداتی که همواره کشور با آن مواجه بوده است سبب شده است که سرمایه‌گذاری بر صنایع دفاعی یک اولویت اساسی باشد و استفاده ایران از مزیت‌های دانش ساخت تجهیزات نظامی در صنایع دیگر نیز می‌تواند به عنوان یک مساله مهم تلقی شود.

۷. فهرست منابع:

- ۱) اسمیت، دنیس، تاریخ اقتصادی، 1995 مترجم: وقار، محمد حسین، تهران؛ اطلاعات، 7- - 1377 ژاپن 1945.
- ۲) اوکاو، کازوشی؛ کوهاما، هیروهسیا؛ فازهای توسعه کشورهای در حال توسعه و تجربه ژاپن، شرکت تحقیقاتی صنایع الکترونیک خانگی، ۱۳۷۲.
- ۳) اونو، کنیچی، ترجمه و تعلیق: پوررستمی، ناهید، توسعه اقتصادی ژاپن (مسیری طی شده توسط ژاپن به عنوان کشوری در حال توسعه)، انتشارات دانشگاه تهران، ایران، ۱۳۹۴.
- ۴) باقری دولت آبادی، علی؛ ملکی فر، محمد؛ نقش و جایگاه سیاست خارجی در توسعه اقتصادی ژاپن (۱۹۹۵-۱۹۴۵)، سیاست جهانی، شماره ۲۷، ۱۳۹۸.
- ۵) بایزیدی، رحیم؛ حسین پناهی، حلیمه؛ فرهنگ و توسعه: مقایسه شاخص های فرهنگی توسعه پذیر و ضد توسعه در ژاپن، بریتانیا و ایران، جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، شماره ۱، ۱۳۹۸.
- ۶) بشارت، احسان؛ ارسالان بد، محمد رضا؛ اثرپذیری رشد اقتصادی ایران از شاخص های اقتصاد مقاومتی: دیدگاه راهبردهای توسعه کشورهای ژاپن و کره جنوبی، مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، شماره ۱۷، ۱۳۹۳.
- ۷) ترشیزی، مجید، ارزیابی تجربه ژاپن برای طراحی سیاست صنعتی کردن ایران، رساله کارشناسی رشد، دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۲.
- ۸) چلبی، مسعود؛ عظیمی، غلامرضا؛ مطالعه تطبیقی - تاریخی رابطه ساختار سیاسی با توسعه اقتصادی (ایران، چین و ژاپن ۱۹۲۰ - ۱۸۰۰)، جامعه شناسی ایران، شماره ۱، ۱۳۸۶.
- ۹) حقیقی، ایمان، سیاست اقتصادی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم به عنوان کشور غیرنفتی، فصل نامه علمی ترویجی راهبرد یاس، سال اول شماره چهارم، ۱۳۸۴.
- ۱۰) ستوده، سهراب، سامورایی های اقتصادی، تهران؛ نشر رامین، 1374.
- ۱۱) شریف النسبی، مرتضی، چرخه توسعه: راهنمای توسعه شتابان توسعه اقتصادی - صنعتی کشورهای جنوب شرقی آسیا، تهران؛ رسا، 1375.
- ۱۲) عطار، سعید؛ ژاپن و امر توسعه: نگاهی به جایگاه نظام برنامه ریزی و قانون برنامه توسعه در فرآیند توسعه ژاپن، سیاست، شماره ۲۴، ۱۳۹۱.
- ۱۳) فهیمی فر، جمشید، ژاپن و تجربه آن در توسعه، تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، 1379.

۱۴) متوسلی، محمود، توسعه اقتصادی ژاپن با تأکید بر آموزش نیروی انسانی، مرکز مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۴.

۱۵) متوسلی، محمود، توسعه اقتصادی ژاپن با تأکید بر آموزش نیروی انسانی، تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، 1374.

۱۶) متوسلی، محمود، توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، نهادگرایی و روش شناسی، تهران؛ سمت، 1382.

۱۷) مدنی، امیرباقر، موانع توسعه اقتصادی ایران (مقایسه با ژاپن)، شهرآب، ۱۳۷۴.

۱۸) مدنی، امیرباقر، موانع توسعه اقتصادی ایران: مقایسه با ژاپن، تهران؛ نشر علوم دانشگاهی، 1374.

۱۹) ناظری، مهرداد، ژاپن چگونه ژاپن شد؟ بررسی تطبیقی آموزش در ژاپن و ایران، مجله گزارش، سال هجدهم، شماره ۲۱۰، ۱۳۸۸.

۲۰) نقی‌زاده، محمد، به سوی قرن ۲۱: اقتصاد ژاپن و توسعه اقتصاد کشورهای آسیایی با نگاهی به بلوک‌بندی‌های اقتصادی در جهان، ۱۳۷۶.

۲۱) نقی‌زاده، محمد، توجه ایرانیان به ژاپن و توسعه صنعتی آن: توسعه یافتگی و مادام‌العمر در حال توسعه، ۱۳۹۴.

۲۲) نقی‌زاده، محمد، مبانی تفکرات اقتصادی و توسعه ژاپن: تداوم و تغییر، شرکت سهامی، ۱۳۸۷.

۲۳) نیلی، مسعود و همکاران، خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور، تهران؛ دانشگاه صنعتی شریف. موسسه انتشارات علمی، 1382.

۲۴) هدوی ایزدی، فرخشاد، از ایدئولوژی تا عمل در کشورهای: آمریکا، شوروی سابق، روسیه و ژاپن، تهران؛ ورق، 1379.

۲۵) یاری، دکتر احسان؛ بایزیدی، رحیم؛ سیاست‌های آبه نومیکس و توسعه در ژاپن، علوم سیاسی - دانشگاه آزاد کرج، شماره ۳۸، ۱۳۹۶.

۲۶) یونسی‌رستمی، علیرضا، ژاپن و برنامه‌های توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، ۱۳۹۵.